

پیشگفتار

- به لحاظ تاریخی باید اذعان کرد که تاریخ کشور ایران یا «پرشیا» به پنج هزار سال قبل از میلاد می‌رسد. این کشور تاریخ پرفراز و نشیبی از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارد. دگرگونی ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با تشکیل نخستین دولتها در ایران از سوی آریاییها و حکومت عیلامیها در شوش شروع شد.

از قدیم‌الایام و به‌ویژه پس از اسلام در کنار زندگی عشایری و دامداری تمدن شهری و اقتصاد زراعی و صنایع روستایی در ایران صورتی جدید به خود گرفت و پس از هجوم ویرانگر مغولان و تیموریان، حکومت‌های گوناگونی از جمله صفویان با رنگ و بوی دینی ولی با قدرت مردم و رقابت با قدرتهای معاصر و قاجاریان با قالب ایلی و غافل از پیشرفت صنعتی و رنسانس در غرب سالیان سال بر این مردم حکمرانی کردند.

سرانجام با پیشرفت علم و فناوری و دموکراسی در غرب و نفوذ اروپاییان و گسترش فرهنگ، تجارت و تمدن ماشینی جدید و آغاز نهضت مشروطیت و آزادی خواهی و تحولات صدساله اخیر و بروز و سقوط حکومت پهلوی با پیروزی انقلاب اسلامی و تحولات جهان امروز، صفحات جدیدی در زندگی مردم ایران گشوده شده است.

- به لحاظ اوضاع جغرافیایی، کشور ایران با مساحتی برابر ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع و همسایگی با کشورهای پاکستان، افغانستان و برخی از کشورهای مشترک‌المنافع آسیای میانه، ترکیه و عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس و دریای عمان، یکی از کشورهای مهم ژئوپلتیکی خاورمیانه محسوب می‌شود که با تنوع آب و هوایی نیمه‌بیابانی، کوهستانی و معتدل خزری، شرایط متفاوت و مناسبی را برای

زیست‌بومهای مختلف فراهم ساخته است.

ایران با متوسط بارندگی ۲۵۰ میلی‌متر در سال حدود یک‌سوم متوسط بارندگی کره زمین را دارد که یکی از کشورهای خشک جهان محسوب می‌گردد و بدتر از این از حدود ۴۲۵ میلیارد متر مکعب حجم بارندگی سالیانه کشور، نزدیک به سه‌چهارم آن تبخیر می‌شود یا هدر می‌رود و فقط یک‌چهارم آن در سرزمین ایران جاری است، که اغلب به دلیل شیب‌دار بودن زمینها و فقدان پوشش گیاهی و جنگلی به سیلابهای شدید و تخریب محیط‌زیست منجر می‌گردد. ایران با داشتن ذخایر و معادن زیرزمینی غنی مانند نفت خام در حدود ۱۳۰ میلیارد بشکه و گاز در حدود ۲۷ تریلیون متر مکعب، که به ترتیب ۱۱ و ۱۵ درصد ذخایر جهان را تشکیل می‌دهد، و همچنین با داشتن میلیاردها تن زغال‌سنگ، سنگ آهن، سنگ مس، سرب و روی، سنگ گچ، آهک و سنگهای تزئینی و ساختمانی و سایر معادن ارزشمند، شرایط ممتازی را به لحاظ تنوع و فراوری معادن دارد که این معادن برای بسترسازی رشد و توسعه کشور مناسب‌اند.

- از نظر جمعیتی، امروزه ایران با داشتن حدود ۷۰ میلیون نفر جمعیت و سه جامعه متمایز شهری، روستایی و عشایری با وجود کاهش میزان بی‌سوادی و کنترل رشد جمعیت به $\frac{۱}{۴}$ درصد چون دارای جمعیت جوانی است و مهاجرت در آن بالاست و نیز به دلیل فرار مغزها به خارج و داشتن حدود ۳ میلیون نفر بیکار با مشکلات عدیده‌ای در ارتباط با هویت، اشتغال، ازدواج و مسکن جوانان روبه‌روست.

- در مورد بخشهای اقتصادی، بخش کشاورزی به علت داشتن توانمندیهای فراوان در منابع و عوامل تولید؛ از جمله بیش از ۳۷ میلیون هکتار اراضی مستعد کشاورزی، ۱۱۸ میلیارد متر مکعب آب قابل استحصال، اقلیم متنوع آب‌وهوایی و قابلیت تولید طیف وسیعی از محصولات گرمسیری و سردسیری، منابع طبیعی تجدیدشونده شامل جنگلها و مراتع در وسعت $۱۰۲/۴$ میلیون هکتار و با داشتن ۲۷۰۰ کیلومتر مرز آبی و امکان بهره‌برداری از ذخایر غنی آبزیان و دسترسی به آبهای آزاد و با وجود نیروی انسانی متخصص و کارشناسان مجرب و بهره‌برداران و

تولیدکنندگان پرکار در شرایطی که هنوز به طور کامل از ظرفیتهای تولیدی آن بهره‌گیری نشده و کاستیهای فراوانی در این راه وجود دارد، توانسته است با تکیه بر رشد مستمر تولید، بازدهی مطلوب سرمایه و ارزش آوری بیشتر و ارزشبری کمتر در مقایسه با سایر بخشهای اقتصادی از چنان قابلیت‌هایی برخوردار شود که می‌توان آن را به‌درستی زیربنای اساسی توسعه اقتصادی کشور تلقی کرد.

برای نمونه بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۰ حدود ۱۷ درصد تولید ناخالص داخلی، یک‌پنجم ارزش صادرات غیر نفتی، یک‌چهارم اشتغال، بالغ بر ۸۰ درصد عرضه غذا و ۹۰ درصد نیاز اولیه صنایع تبدیلی کشاورزی را به خود اختصاص داده است. بنابراین قسمت عمده دستاوردهای جوامع بشری تا به امروز، خصوصاً طی سده‌های گذشته و به‌ویژه بعد از انقلاب صنعتی، به این بخش اختصاص دارد.

- از نظر صنعتی، در شرایط امروزی وضعیت عمومی بخش صنعت به گونه‌ای است که از یک طرف صنایع کوچک که بخش غالب صنایع ایران را تشکیل می‌دهد، ارزش افزوده و توان تولیدی ناچیزی دارد و از سوی دیگر صنایع بزرگ، مظهر رشد سرمایه‌داری ایران، متأسفانه وابستگی شدیدی به خارج دارند.

به این ترتیب توسعه اقتصادی ایران در چهارچوب سرمایه‌داری، به دلیل نوعی وابستگی که ویژگی بارز رشد سرمایه‌داری کشورهای استعماری است، در کشور، کشاورزی و صنایعی را ایجاد می‌کند که ناموزونی، غیر پویایی و ناکارآمدی مشخصه اصلی آنهاست.

- صنعت نفت ایران با قدمت صدساله در اقتصاد کشور نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای دارد، ایران در اوضاع کنونی به دلایل فوق‌یکی از مؤثرترین کشورهای سازمان اوپک نیز می‌باشد. اقتصاد ایران طی صد سال کشف و بهره‌برداری از نفت به دلیل متکی بودن به درآمدهای نفتی به شدت متأثر از شرایط حاکم بر اوضاع و احوال نفت به لحاظ میزان عرضه، تقاضا و قیمت آن و نیز مسائل سیاسی - اجتماعی در کشورهای نفت‌خیز و کشورهای صنعتی بوده است. در یک قرن تاریخ صنعت نفت ایران، قسمت عمده درآمدهای کشور حاصل از صادرات و

فروش نفت خام و فراورده‌های نفتی به وسیله دولت بوده و بنابراین، نقش دولت در این مدت در امور مختلف به‌خصوص اقتصاد کشور بلامنازع بوده است. به همین علت زمینه بروز و ظهور بخشهای خصوصی و تعاونی در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی به‌شدت تنگ شده و در واقع دولت همه‌کاره اقتصاد کشور و به تبع آن و دیگر عرصه بوده است و چنین چهارچوب و ساختار اقتصاد «نفتی-رانتی» در کشور شکل گرفته است.

- از نظر حضور دولت در اقتصاد، لزوم استمرار یک نظام پویای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، استقرار نظم و انضباط مالی بر پایه عملی و تجربی و در نتیجه داشتن نظام بودجه‌ریزی کارآمد برای تنظیم درآمدها و پرداختهای سالیانه ارکان و عوامل نظام اجرایی است.

- با توجه به اوضاع سیاسی-اجتماعی و وجود منابع درآمدی و ارزی مورد اطمینان، اقتصاد ایران می‌توانست با سرعت بیشتری در مسیر رشد و توسعه پایدار هدایت شود، ولی در گذشته به لحاظ وابستگی اقتصادی-سیاسی به خارج و اقتصاد تک‌محصولی نفتی و عدم توجه به توسعه درونزا، این شانس را از دست داده است.

بعد از انقلاب اسلامی نیز مسائلی همچون ناآرامیها و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، فرار سرمایه‌ها و مغزها از کشور، جنگ هشت‌ساله و تخریب زیربنای توسعه‌ای توسعه کشور را به تأخیر انداخت و اجرای برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز بیست‌ساله نیز به دلایل بی‌ثباتی اقتصادی و دخالت دولت در اقتصاد و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و بعضاً تنشهای بین‌المللی و فرار سرمایه‌ها هنوز نتوانسته است علی‌رغم پیشرفتهای به دست آمده، برخی مسائل و مشکلات اساسی اقتصادی کشور مانند: تورم و بیکاری، شکاف درآمدی و درآمد سرانه نامطلوب را حل کند.

- از نظر بخش تعاون، تعاونیها می‌توانند با توجه به ویژگی عدالت‌خواهی‌شان، تصدی‌گری کمتر دولت و نظام حمایتی و تأمین اجتماعی محدودتر و کاراتری را به ارمغان آورند. تعاونیها می‌توانند در راستای اصل ۴۴ قانون اساسی و بخشنامه‌های اخیر رهبری، در تأمین و تقویت سرمایه‌های انسانی، فیزیکی و بازسازی سرمایه

اجتماعی در فرایند توسعه، در عمل نقش مهمی ایفا کنند و با گسترش مشارکت در حوزه‌های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی پیام‌آور فرایند توسعه دموکراتیک باشند. در نهایت بخش تعاون می‌تواند به‌سان وزنه تعادل در تبیین نسبت میان بخش خصوصی و دولت عمل کند.

- در مورد وضعیت بخش خصوصی باید گفت در صد ساله اخیر با استخراج و صدور نفت خام از دهه ۱۲۸۰ تا امروز و با افزایش روزافزون درآمدهای نفتی، اتکای کشور به صادرات نفت و واردات خصوصاً طی چند دهه اخیر تشدید شده و زمینه‌های دخالت بیشتر دولت در اقتصاد کشور وضعیت بخش خصوصی را در فعالیتهای اقتصادی فراهم کرده است. به طوری که امروز آثار نفوذ نفت و در نتیجه دولت را در اقتصاد کشور در حدود ۸۰ درصد ارزیابی می‌کنند و حوزه بخش خصوصی را کمتر از ۲۰ درصد می‌دانند. زیرا اگر سهم بخش تعاون را که حدود ۴/۵ درصد از تولید ناخالص ملی است در کنار ۸۰ درصد بخش دولتی بگذاریم، سهم بخش خصوصی از درآمد ناخالص ملی کمتر از ۱۶ درصد برآورد می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که دولت در ایران، خصوصاً بعد از پیدایش نفت و تشکیل دولتهای به اصطلاح «رانتی - نفتی»، به انحاء مختلف در اقتصاد و در نتیجه در روند فعالیت و شکل‌گیری بخش خصوصی دخالت داشته و قطعاً یکی از دلایل ضعف و ناتوانی بخش خصوصی در ایران و عمل نکردن به وظایف ذاتی و اقتصادی خود، وجود دولتی مقتدر، مداخله‌گر و غیر دموکراتیک در طول این سالها بوده است.

در دوران معاصر برخلاف کشورهای غربی که دولتها از لحاظ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حیات و تداوم حاکمیت خود را با تکیه بر سرمایه‌داران بخش خصوصی می‌دانند، در ایران جز در موارد مقطعی مانند دوره‌های استقرار مشروطیت و ملی شدن صنعت نفت، بخش خصوصی هیچ‌گاه پایگاه اجتماعی دولت را تشکیل نداده است.

با توجه به واقعیتهای مذکور و ضرورت تجزیه و تحلیل عینی و عملی و بهره‌گیری هرچه بهتر از توانمندیها و ظرفیتهای اقتصاد ایران و برطرف کردن ضعفها و نارساییهای موجود و لزوم تدوین کتاب درسی در باب اقتصاد ایران که با استفاده

از اطلاعات، آمار و تحلیلهای به روز این نیاز را در سطوح مراکز آموزش عالی کشور برآورده نماید، این مهم به وسیله نویسندگانی که سالها اقتصاد ایران را تدریس نموده‌اند یا با مسئولیتهای اجرایی آن را با تمام وجود لمس کرده‌اند و همچنین به همت سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) عملیاتی گردید.

جلد اول کتاب *اقتصاد ایران* که شامل دوازده فصل به این شرح است: تاریخ اقتصادی، جغرافیای اقتصادی، جمعیت و نیروی انسانی، بخش کشاورزی، بخش صنعت، بخش صنعت نفت، گاز و پتروشیمی، نقش دولت در اقتصاد، بودجه‌ریزی، برنامه‌ریزی، بخش تعاون و بخش خصوصی ایران برای پوشش دادن به سرفصلهای موردنیاز سه واحد درس اقتصاد ایران در سطح کارشناسی ارشد نگاشته شده است.

شایان ذکر است گرچه کتابهای متعددی در موضوع اقتصاد ایران به چاپ رسیده، اما این کتاب ویژگیهایی دارد که ارزش آن را بالا برده است:

۱. به روز بودن اطلاعات، آمار و اطلاعات،
۲. تقسیم‌بندی فصول و بخشهای مناسب با اقتصاد ایران به طور جامع،
۳. مطالب و فصول جدیدی که اولین بار در کتاب *اقتصاد ایران* به آن پرداخته شده است؛ مانند فصول خدمات، نقش دولت در اقتصاد، بودجه‌ریزی، برنامه‌ریزی، بخش تعاون و بخش خصوصی و مباحث ابتکاری جدید دیگر که خواننده را در مسیر واقعیتهای اقتصاد ایران قرار می‌دهد.

ضمن تقدیر و تشکر از همه اساتید، دانشجویان و کسانی که در تدوین این کتاب ما را یاری کرده‌اند، امید است مطالعه این کتاب به وسیله اساتید، محققان و دانشجویان عزیز موجبات آشنایی بیشتر با ابعاد مختلف اقتصاد ایران را فراهم سازد. سپاس‌گزار خواهیم بود چنانچه نارساییهای این جلد را برای اصلاح به نحو مقتضی گوشزد فرمایید.

علی قنبری

تابستان ۱۳۸۶